**نام مقاله: جوامع اطلاعاتي و تزلزل حق مؤلف**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 21 \_ شماره اول ،جلد 6**

**پديدآور: دكتر نرگس نشاط**

**مترجم:**

**چكيده**

**مفاهيم گوناگوني وجود دارد كه بدون حضور آنها جامعة اطلاعاتي تحقق نمي‌يابد كه از جملة آنها مفهوم اطلاعات است. در اين زمينه، اطلاعات به حقايقي گفته مي‌شود كه دربارة دنيايي كه در آن زيست مي‌كنيم سخن مي‌گويد، و اين توصيف درواقع، بسيار شبيه توصيف دانش است و به همين دليل گاه به جامعة اطلاعاتي «جامعة دانش» نيز گفته مي‌شود.**

**بدون حضور فن‌آوري‌هاي اطّلاعاتي و ارتباطي جامعة اطّلاعاتي شكل نمي‌گيرد و درواقع، وقتي سخن از جامعة اطلاعاتي به ميان مي‌آيد، دست كم در بيان متداول مردم، غرض «جامعة فن‌آوري اطّلاعاتي» است. در اين جامعه، محل‍ّي بودن معناي خود را از دست مي‌دهد و جوامع به سوي جهاني شدن پيش مي‌روند و تبديل به گروه‌هاي شبكه‌اي مي‌شوند كه داراي پيوند مستحكم زماني و مكاني است.**

**مرور منابع و نظريات صاحب‌نظران نشان مي‌دهد كه همگان بر سر تعاريفي كه از جامعة اطّلاعاتي مي‌شود توافق دارند، ام‍ّا همة اين تعاريف سئوالهايي را به ذهن متبادر مي‌كند كه به‌ندرت مي‌توان از آن وجه تمايزي دريافت. از سوي ديگر، جايگاه حق مؤلف در اين محيط ديجيتال بررسي مي‌گردد و اينكه آيا رويكرد جديد به مديريت حقوق مي‌تواند ميان نظام سنتي و منافع جديد تعادل ايجاد كند.**

**كليدواژه‏ها: حق مؤلف، جوامع اطلاعاتي**

**مقدمه**

**درباب اصطلاح جامعة اطّلاعاتي تعاريف متفاوتي ارائه شده است. برخي آن را جامعه‌اي دانسته‌اند كه مناسب‌ترين استفاده از فن‌آوري‌هاي نوين اطّلاعاتي را به عمل مي‌آورد. در اين جامعه، مردم از بيشترين كاربري از فن‌آوري‌هاي اطّلاعاتي در همة عرصه‌هاي زندگي نظير محل كار، خانه و حتي سرگرمي برخورداند. در اين معنا، استانداردهاي زندگي و الگوهاي كار و فراغت، نظام آموزشي، فعاليتهاي اقتصادي و بازرگاني از پيشرفت اطّلاعات و دانش فني تأثير مي‌پذيرد. نشانة اين امر، توليد روبه‌گسترش كالاها و خدمات مرتبط با اطلاعات و اشاعة آنها از طريق حلقة گسترده‌اي از رسانه‌ها به ويژه فن‌آوري‌هاي چندرسانه‌اي الكترونيكي و به طور كلي غلبة فن‌آوري اطّلاعات در امر ذخيره، پردازش و انتقال اطّلاعات است.**

**برخي ديگر آن را جامعه‌اي وابسته به خدمات اطّلاعاتي رسانه‌هاي همگاني دانسته كه با آهنگي سريع‌تر از ديگر جوامع و با سلطة بيشتر بر اندوخته‌هاي علمي و تجربي پيش مي‌رود. در چنين جامعه‌اي ارتباطات، عامل واقعي انتقال براي ايجاد تحول در افراد به منظور دستيابي به اطّلاعات است وارزش‌هاي اطّلاعاتي عامل تعيين‌كننده در توسعة جامعه است (مارتين،[1] 1978، ص 12). ام‍ّا مفاهيم گوناگوني وجود دارد كه بدون حضور آنها جامعة اطّلاعاتي تحقق نمي‌يابد كه از جملة آنها مفهوم اطّلاعات است. در اين زمينه، اطّلاعات به حقايقي گفته مي‌شود كه دربارة دنيايي كه در آن زيست مي‌كنيم سخن مي‌گويد؛ و اين توصيف درواقع، بسيار شبيه توصيف دانش است. به همين سبب گاه به جامعة اطّلاعاتي، «جامعة دانش» نيز گفته مي‌شود. در دوران حاضر، سرمايه، نيروي انساني يا مواد خام عامل رشد اقتصادي نيست، بلكه دانش و انديشه‌هاي جديد است. به همين دليل بسياري از صاحب‌نظران بر اين باورند كه جامعة جديد با جامعة صنعتي تفاوت‌هاي آشكار دارد و برخي آن را جامعة فراصنعتي نيز نام نهاده‌اند (مكنات،[2] 1996, ص 375).**

**تاريخچه**

**از دهة 1970 در غرب، به ويژه در كشورهاي پيشرفته، تحول عظيمي در حوزة اطلاع‌رساني صورت گرفته است. در دهة 1980 رايانه وارد كارخانه‌ها و ادارات شد، تشكيلات اقتصادي داراي بخش اطلاع‌رساني گرديد و داد و ستدهاي جهاني به صورت شبانه‌روزي از طريق شبكه‌هاي ارتباطي سرعت بيشتري يافت. در دهة 1990، افراد با ساعات كار كمتر بازدهي بيشتري ارائه دادند و كارهاي اداري به سمت بي‌نيازي از كاغذ پيش رفت. سرانجام آلوين تافلر[3] در كتاب موج سوم، تمدن بشر را متأثر از سه موج عمده دانست كه با هر موج تاريخ تمدن وارد فصل نويني مي‌شود. اكنون با شكوفايي صنعت الكترونيك و رايانه، بشر وارد عصر اطّلاعات شده است.**

**وجوه جامعة اطلاعاتي**

**مفهوم جامعة اطّلاعاتي اساساً داراي دو وجه است: 1ـ توصيف گرايش‌ها و فرصت‌هاي جامعه در بهره‌برداري از فن‌آوري و 2ـ توجيه برخي سياست‌هاي مل‍ّي در جهت توسعة اين گرايش‌ها و روندها؛ ام‍ّا برخي صاحب‌نظران علم اطلاع‌رساني ويژگي‌هاي متعددي از جامعة اطّلاعاتي و ظواهر آن ارائه داده‌اند (مور،[4] 1999، ص 221؛ استونير،[5] 1990، ص 14) كه مهم‌ترين آنها عبارتند از: وجه فني؛ وجه اقتصادي؛ وجه حرفه‌اي؛ وجه مكاني و وجه فرهنگي است.**

**وجه فني**

**بدون حضور فن‌آوري‌هاي اطلاعاتي و ارتباطي جامعة اطلاعاتي شكل نمي‌گيرد. با استفاده از اين ابزارها، استفاده از اطلاعات گسترش و عمق مي‌يابد. درواقع، وقتي سخن از جامعة اطلاعاتي به ميان مي‌آيد، دست‌كم در بيان متداول مردم، غرض «جامعة فن‌آوري اطّلاعاتي» است. جامعة اطّلاعاتي متكي بر شبكة پيچيده‌اي از اطّلاعات و ارتباطات الكترونيكي است و بخش اعظم منابع و خدمات اطّلاعاتي از طريق اين‌گونه شبكه‌ها تأمين مي‌شود. تشكيل رسانه‌ها، دوسويه‌بودن، پويايي و سرانجام جهان‌شمول بودن از مهم‌ترين خصوصيات وسايل ارتباطي نوين است؛ به اين معني كه شبكه‌ها به تدريج تمامي سيارة زمين را پوشش مي‌دهند و مرزهاي سياسي را درمي‌نوردند. فن‌آوري‌هاي اطّلاعاتي امكان مي‌دهند كه طراحي و ساخت كالا با بهترين كيفي‍ّت و كمترين زمان به طور خودكار انجام پذيرد و خط توليد چنان انعطاف‌پذير گردد كه به راحتي بتوان با خط توليد واحدي چند نوع كالا توليد كرد (استونير، 1990، ص 6). به طور مثال، اينترنت را مي‌توان نمود پيشرفت در فن‌آوري اطّلاعاتي و ارتباطاتي تلقي كرد. از اين‌رو مي‌توان گفت كه اينترنت نتيجة پيشرفت سريع و چشم‌گير فني است. ام‍ّا فن‌آوري اينترنت مي‌توانست بدون آنكه كاربرد مشخصي براي آن درنظر گرفته شده باشد، پديد آيد. در تاريخ علم، نمونه‌هاي فراواني وجود دارد كه در آن يك طرف بازار ـ عرضه ـ با تمام نيرو به صحنه گام مي‌نهد و طرف ديگر ـ تقاضا ـ لنگ لنگان خود را به جلو مي‌كشد و درنتيجه هيچ توسعه‌اي صورت نمي‌گيرد. اين واقعي‍ّت كه انقلاب صنعتي در چين سدة چهارده ـ كه به لحاظ فن‌آوري به مراتب از غرب پيشرفته‌‌تر بود ـ اتفاق نيفتاد، متأسفانه گواه اين مدعاست. اما اينترنت نمونه‌اي از اين دست نيست. براي آنكه راديو، كه استفاده از آن نسبتاً ساده و آسان است پنجاه ميليون شنونده پيدا كند، گذشت چهل سال لازم بود، شمار كاربران اينترنت در چهار سال به اين حد رسيد. ازجمله دلايل اين رشد سريع اين است كه اينترنت آسان‌تر تحقق خواسته‌هاي دائمي دست‌اندركاران اقتصاد را امكان‌پذير ساخته است (كوئه، 1381، ص 18ـ20). اين خواسته‌ها عبارت‌اند از: مبادلة ارزان‌تر و آسان‌تر، توزيع سريع‌تر اطّلاعات، كاهش ذخيره‌سازي اجناس، برد بيشتر زنجيرة عرضه و مجاري توزيع.**

**وجه اقتصادي**

**رويكرد اقتصادي به نقش روز‌افزون اطّلاعات در فرايند توليد، توزيع و مصرف به‌ويژه در زمينة نوآوري و رقابت اشاره دارد. جامعة اطلاعاتي نوع جديدي از تقسيم‌كار را مطرح مي‌كند و درنتيجه مشاغلي از ميان مي‌رود و مشاغل جديدي پديد مي‌آيد و البته ساختار اقتصادي ناگزير خود را با حوزه‌هاي تازه هماهنگ مي‌كند. در اين جوامع، اطّلاعات منبعي اقتصادي تلقي مي‌شود (ملودي،[6] 1974، ص 314). سازمان‌ها براي افزايش كارآيي خود بر استفادة بيشتر از اطّلاعات تأكيد مي‌ورزند تا نوآوري‌ها تقويت گردد، موقعيت اقتصادي و رقابت‌طلبانة آنها بهبود يابد و سبب ارتقاي كيفي‍ّت ابزارها و خدمات شود. نگاهي به عملكرد اقتصادي پنج شركت عمدة فعال در «فن‌آوري اطّلاعاتي ـ ارتباطي» (ICT) مانند «ماكروسافت»، «اينتل»، «كامپك»، «دل»[7] و «سيسكو»[8] نشان مي‌دهد كه در 1987، اين پنج شركت‌ 12 ميليارد در بازار سهام سرمايه‌گذاري كرده‌اند. مجموع ارزش سرمايه‌هاي اين شركت‌ها در سال 1997 به 600 ميليارد دلار ـ يعني افزايشي 50 برابر طي كمتر از ده سال يا رشد سالانه‌اي معادل 45 درصد ـ رسيده است. نرخ رشدي چنين سريع، كه طي دوره‌اي چنين طولاني ثابت مانده است، در مقايسه با هر فعاليت اقتصادي ديگري مطلقاً حائز اهمي‍ّت است.**

**اقتصاد اطّلاعات نشان مي‌دهد كه توليد اطّلاعات و فن‌آوري اطّلاعاتي سهم مهمي از توليد ناخالص ملي كشورهاي پيشرفته را به خود اختصاص مي‌دهد. به اين اعتبار، اگر سهمي از توليد ناخالص مل‍ّي يك جامعه صرف فعاليت‌هاي اطّلاعاتي مي‌شود، نسبت به ساير فعاليت‌هاي اقتصادي بيشتر باشد، آن جامعه را مي‌توان «جامعة اطّلاعاتي» ناميد (پورات، 1977، ص 11). به‌طور مثال در ايالات متحده آمريكا سهم فن‌آوري اطّلاعاتي در توليد ناخالص داخلي با قيمت‌هاي متغير از 9/4 درصد در سال 1985 به 2/8 درصد در سال 1997 افزايش يافته است. در عين حال، بهاي فرآورده‌هاي فن‌آوري اطّلاعاتي به نحوي چشم‌گير كاهش يافته است. قيمت واقعي محاسبات رايانه‌اي در دو دهة گذشته سالانه سي درصد كمتر شده است. قيمت واقعي خدمات ارتباطاتي نيز به نحوي مشابه، طي هفتاد سال گذشته، كاهشي برابر 8 درصد در سال داشته است. و اين به معناي نصف شدن قيمت ظرف هر 8 يا 9 سال است. ظرفيت ذخيره‌سازي اطّلاعات در ديسك‌هاي رايانه‌اي، از 1991 به اين‌سو، در عين حال كه بهاي ديسك به يكصدم رسيده، سالانه 60 درصد زيادتر شده است. بدين‌سان حتي بدون درنظر گرفتن اثرات فن‌آوري اطّلاعاتي در افزايش بهره‌وري ساير صنايع، سهم مستقيم بخش فن‌آوري اطّلاعاتي در ارزش واقعي توليد شده، براي مهم‌ترين اقتصاد جهان، قابل ملاحظه بوده است (كوئه، 1381، ص 18ـ 20).**

**شكوفايي فن‌آوري اطلاعاتي در كشورهاي پيشرفتة صنعتي شگفت‌آور نيست. ليكن فن‌آوري اطّلاعاتي در رشد بعضي از توسعه نيافته‌ترين اقتصادهاي جهان نيز سهم بزرگي دارد. در هند درآمد سالانه در 1995، 340 دلار بود. اكثر جمعيت 900 ميليون نفري اين كشور با كمتر از يك دلار در روز زندگي مي‌كرد. درعين حال، هند ميزبان مركز عمدة دريايي توليد نرم‌افزار براي همه كشورهاي جهان است. توليد نرم‌افزار در هند در سال 1997، يك صنعت 2 ميليارد دلاري بود و 260000 نفر را در استخدام خود داشت. در پنج سال گذشته عوايد اين صنعت سالانه 50 درصد افزايش داشته كه 60 درصد اين مبالغ درآمدهاي حاصل از صادرات بوده است (كوئه، 1381، ص 18ـ20).**

**وجه حرفه‌اي**

**يكي از خصيصه‌هاي مهم جوامع اطّلاعاتي تغيير حرفه‌ها و مشاغل است. هرگاه حرفه‌ها در فعاليت‌هاي اطّلاعاتي تمركز يابند به جامعه اطّلاعاتي وارد شده‌ايم. به بيان ديگر، در جامعه اطّلاعاتي از كارهايي كه قدرت جسمي و مهارت‌هاي يدي را مي‌طلبد مانند تراشيدن سنگ و يا زراعت بر روي زمين كاسته و به كارهايي با مهارت بالا مانند تعليم و تربيت، امور اداري و كلية كارهايي كه اطّلاعات را جهت انجام بهتر فعاليت‌ها درخواست مي‌كنند، تبديل مي‌شود. امروزه، تنها اقليتي رو به كاهش از نيروي كار در كارخانه كار مي‌كنند و بازار كار به وسيلة شاغلان بخش اطّلاعات تسخير شده است (استونير، 1990، ص 7ـ 8). تغيير مشاغل و توزيع آنها مركز ثقل بيشتر نظريه‌هاي معتبر در مورد جامعة اطّلاعاتي است. دانيل بل در دهة 1960 ظهور جامعة «يقه سفيدها» (مديران و طالبان اطّلاعات) و كاهش نيروي كار صنعتي وكارگران «يقه آبي» را عنوان كرد؛ و پايان تضاد سياسي ـ طبقاتي و شروع آگاهي گروهي بيشتر و توسعة برابري جنسي را مطرح ساخت (ريز،[9] 1966، ص 563).**

**چهارصد نوع حرفه را به عنوان نيروي كار اطّلاعاتي برشمرده‌اند كه نخستين نوع شامل كاركناني است كه فعالي‍ّت اصلي آنان توليد و عرضة دانش و اطّلاعات است، مانند دانشمندان، مخترعان، كتابداران، روزنامه‌نگاران و نويسندگان. نوع دوم، كاركناني را دربرمي‌گيرد كه اطّلاعات را گردآوري، هماهنگ و پردازش كرده و سپس به توزيع آن در ميان شركت‌ها و متقاضيان اطّلاعات مي‌پردازند؛ مانند مديران، منشيان، كارمندان و كلية كارگران. نوع ديگر شامل كاركناني است كه با استفاده از دستگاه‌ها و فن‌آوري‌هاي اطّلاعاتي، فعاليت انواع ديگر را پشتيباني مي‌كنند؛ مانند كساني كه اطّلاعات را وارد رايانه مي‌كنند يا به نصب و تعمير تلفن، راديو و تلويزيون مي‌پردازند (پورات،[10] 1977، ص 5ـ6).**

**بدين‌ترتيب، تقسيم‌بندي نيروي كار اطّلاعاتي و غير اطّلاعاتي براساس تخمين درجه‌اي از درگيري مشاغل با اطّلاعات تميز داده مي‌شود. گرچه تعيين اينكه دقيقاً چه كسي كارگر اطّلاعاتي است و چه كسي نيست خود موضوع بحث‌انگيزي است، زيرا هر شغلي تا حد زيادي با شناخت و پردازش اطّلاعات سروكار دارد. اما پيدايش جامعة اطّلاعاتي مت‍ّكي بر جنبة محوري دانش نظري در مقابل دانش عملي است و مي‌بايد آنهايي را كه داراي دانش نظري هستند از كارگران اطّلاعاتي، يعني كساني كه تنها مجري انديشه‌هاي نظريه‌پردازان محسوب مي‌شوند متمايز ساخت. طبق برآوردهاي به عمل آمده در ايالات متحده و در فاصلة سالهاي 1996ـ2006، صنايع رايانه‌اي و خدمات داده‌پردازي، با نرخ افزايشي معادل 108 درصد، بيشترين رشد را در كارآفريني خواهند داشت. صنعت بعدي در ايجاد كار با نرخ رشدي معادل 68 درصد، خدمات بهداشتي و درماني خواهد بود. «دفتر آمار نيروي كار» مشاغلي را كه شمار آنها سريع‌تر از هر شغل ديگري افزايش خواهد يافت چنين برآورد كرده است مديريت پايگاه داده‌ها، خدمات رايانه‌اي و دانشمندان علوم رايانه (118 درصد)؛ مهندسان كامپيوتر (109 درصد)؛ مهندسان سيستم (103 درصد) و سرانجام دستياران شخصي و خانه‌داري (85 درصد). سطح دستمزدهايي كه در اين صنايع و مشاغل پرداخت مي‌شود نيز بسيار بالاست. در 1997، كارمندان معمولي صنعت فن‌آوري اطّلاعاتي دوبرابر متوسط حقوق دريافتي كارمندان بخش خصوصي در سراسر آمريكا، حقوق مي‌گرفتند.**

**دنياي امروز، هماهنگي ساخت و توليد در سطح جهان، برنامه‌ريزي درون دولت‌ها و ميان دولت‌هاي مستقل و بازاريابي در همة قاره‌ها را مي‌طلبد. اطّلاعات براي اين‌گونه فعاليت‌ها جنبة محوري دارد و در نتيجه مديريت اطّلاعات نيز تبديل به ضرورتي اجتناب‌ناپذير مي‌گردد (گارنسي، [11] 1997، ص 218ـ220؛ وبستر،[12] 1995، ص 25).**

**از ديگر مشخصه‌هاي جوامع اطّلاعاتي تأكيد بر آموزش است. گزارش يونسكو از كميسيون بين‌المللي آموزش براي قرن بيست‌ويكم با نام <يادگيري: گنج درون[13]> تأثير جامعة اطلاعاتي بر آموزش و پژوهش و برخي نتايج آن را مورد تأكيد قرار مي‌دهد (مور، 1999، ص 279). فن‌آوري‌ها، بي‌ترديد، اين امكان را فراهم آورده است كه آموزش از طريقي كه قبلاً امكان‌پذير نبود ارائه گردد. طيف وسيعي از رشته‌هاي تحصيلي به صورت صفحات فشرده و چندرسانه‌اي‌ها در دسترس قرار دارند و مدارس و دانشگاه‌ها با استفاده از امكانات الكترونيكي آموزش از راه دور را تجربه مي‌كنند.**

**وجه مكاني**

**در جامعة اطّلاعاتي، محل‍ّي بودن معناي خود را ازدست مي‌دهد و جوامع به سوي جهاني شدن پيش مي‌روند و تبديل به گروه‌هاي شبكه‌اي مي‌شوند كه داراي پيوند مستحكم زماني و مكاني است.درواقع جوامع از نوع «مجازي» خواهند بود كه شبكه‌ها محور آنها را تشكيل مي‌دهند. فرهنگ‌ها، رشته‌هاي علمي و عرصه‌هاي اجتماعي ـ صرفه‌نظر از فواصل زماني و مكاني ـ با يكديگر تعامل مي‌يابند و افراد مي‌توانند دانش و تخصص خود را با يكديگر مبادله كنند، به مشاوره بپردازند و خلاقي‍ّت‌هاي خود را شكوفا سازند. رشد سريع رسانه‌هاي جديد اين امكان را فراهم آورده است كه اطّلاعات مربوط به مبادلات بازرگاني، قيمت كالاها، فهرست پروانه‌هاي ثبت اختراع، نوسانات ارز و حتي چكيدة مقالات مجلات علمي و فني تهيه و به صورت پيوسته به سراسر جهان ارسال گردد. درحالي كه نخستين حركت‌هاي اقتصادي بازارها برمبناي دوري و نزديكي در ساختار شهرها به وجود آمد، امروزه اقتصاد بازار برطبق ارتباطات الكترونيكي استوار شده و جغرافياي جديد از مراكز پردازش و كنترل به وجود آمده است (وبستر، 1995، ص 18). گرچه محدوديت فاصله‌ها كاملاً حذف نشده ليكن كوتاه شدن زمان در ارتباطات براي شركت‌ها، دولت‌ها و افراد حق انتخاب بيشتري فراهم ساخته است.**

**وجه فرهنگي**

**از لحاظ فرهنگي، دانش مبتني بر سرمايه، به تدريج جاي خود را به سرماية مبتني بر دانش داده است و آگاهي نوعي سرماية فرهنگي تلقي مي‌شود و بدين‌ترتيب اهمي‍ّتي كه دنياي گذشته براي سرماية مالي قائل بود تقليل يافته و سرمايه‌هاي مبتني بر آگاهي از اهمي‍ّت بيشتري برخوردار گرديده است.**

**از نخستين ويژگي‌هاي جوامع اطّلاعاتي ايجاد تحول در ارزش‌هاي فرهنگي، اخلاقيات و آداب و رسوم است. آنچه هم‌زمان با پيدايش و توسعة جوامع اطّلاعاتي در دنيا مطرح شده تحمل و مداراي فرهنگي است كه ناشي از شناخت بيشتر است. با فزوني شناخت در حوزة آگاهي‌هاي فرهنگي ساختار ارزشي و در نتيجه اخلاقيات و آداب و رسوم به گونة بارزي متحول مي‌شود. اينترنت نمونة روشني از اين فن‌آوري است كه مي‌تواند حجم زيادي از اطّلاعات گوناگون را بدون محدوديت و فارغ از مرز سياسي، در زماني بسيار كوتاه انتقال دهد؛ و اين انتقال را در عرصه‌اي بدون عنايت به فضا و محتواي فرهنگي و در ساختارهاي متفاوت سياسي و اقتصادي و پيشينه‌هاي تاريخي صورت دهد و از جهات گوناگون و دررابطه با مل‍ّت‌ها، دولت‌ها، گروه‌ها، خانواده‌ها و افراد فرصتها و تنگناهايي ايجاد كند.**

**جهاني شدن الزاماً نه به معني سقوط همة ديوارهاي سياسي، فرهنگي و اقتصادي و نه مترادف با حذف هويت‌هاي فرهنگي است؛ بلكه پديدة نوين ارتباطي است كه الگوهاي قبلي ارتباطي را به هم مي‌ريزد (محسني، 1379، ص 9).در الگوهاي سنتي ارتباطات كه عمدتاً ناظر بر جوامع محل‍ّي است، مخاطب يا گيرنده داراي نقش يا اهميت ويژه‌اي است و نظريه‌ها پيوسته به موضع مخاطب مي‌انديشد. به طور مثال، هنگام تأسيس مجله يا تأليف كتاب يا نشر مطبوعات غالباً اين پرسش اساسي مطرح مي‌گردد كه اين اثر براي چه كساني تهيه مي‌شود؛ و حال آنكه در ارتباطات نوين پيام در اختيار كساني قرار مي‌گيرد كه هدف توليد‌كنندة پيام نبوده‌اند، چون اشخاص گوناگوني مي‌توانند در معرض اين ارتباطات قرار گيرند.**

**گرچه تفاوتهاي زيرساختي جوامع و تقسيم نامتوازن فن‌آوري‌هاي اطّلاعاتي و ارتباطي و نيز مهارتهاي مربوط به آنها در كشورهاي مختلف، آرمان جامعة جهاني اطّلاعات را از تحقق واقعي دور كرده است، عامل زبان نيز سبب شده است كه جامعة جهاني اطّلاعات تنها به افراد و جوامع خاصي تعلق يابد و گروه‌هاي زيادي از استفاده از آن محروم گردند. اين شكاف زباني خود شكاف اطّلاعاتي را به دنبال آورده است.**

**درحقيقت آنچه درحال وقوع است توسعه و تعامل گستردة فرهنگهاست و ناديده انگاشتن آثار بالقوة يكسويگي جريان جهاني اطّلاعات ممكن است پيامدهاي ناگواري به دنبال داشته باشد (بهشتي، 1373، ص 6).**

**آنچه در پيش آمد بيانگر آن است كه همگان بر سر تعاريفي كه جامعة اطلاعاتيش مي‌خوانيم توافق دارند؛ ام‍ّا همة اين تعاريف سئوال‌هايي را به ذهن متبادر مي‌كند كه به‌ندرت مي‌توان از آن وجه تمايزي را دريافت به طور مثال سئوال‌هايي از قبيل:**

**اگر فن‌آوري را ملاك عمدة جامعة اطّلاعاتي مي‌دانند پس چرا نبايد مبدأ پيدايش جوامع اطّلاعاتي را از زمان خودكار شدن ماشين‌آلات دانست؟**

**اگر اختراعاتي مانند نيروي بخار، الكتريسيته و موتور پرواز، خصيصه‌هاي جوامع صنعتي‌اند چرا توسعة استعدادها و مهارت‌ها در زمينة فن‌آوري اطّلاعات را نبايد به عنوان گواهي بر جامعة اطّلاعاتي تلقي كرد؟**

**استفاده از فن‌آوري اطّلاعات و ابزارهاي جذب و تحليل و پردازش اطّلاعات را ملاكي براي تشخيص جامعة اطّلاعاتي دانسته‌اند ولي هرگز به ميزان و مقدار اين فن‌آوري اشاره نشده است.**

**از آنجا كه هر فعاليتي مستلزم اطّلاعات است چگونه مي‌توان عمليات اطّلاعاتي را از عمليات توليدي جدا دانست و تنها آنان را كه درگير توليد و توزيع اطّلاعات هستند در ردة مشاغل اطّلاعاتي نام برد.**

**با توجه به اينكه اقتصاددانان به ابعاد ارزشي بخش اطّلاعات اشاره مي‌دارند آيا افزايش ارزش اقتصادي تبليغات و استفاده از تلويزيون مي‌تواند نشاني از ظهور جامعة اطّلاعاتي باشد يا معيارهاي كم‍ّي و كيفي اين ارزش‌ها را بايد جدا دانست؟**

**برخي صاحب‌نظران معتقدند كه شبكه‌هاي اطّلاعاتي از زمان‌هاي خيلي دور در اطراف ما قرار داشته‌اند. حداقل از زماني كه خدمات تلفن و تلگرام ارائه مي‌شده. پس چرا دهة 1980 را آغاز بحث دربارة جوامع اطّلاعاتي دانسته شده است؟**

**آيا به واقع با ملاك‌هاي فوق مي‌توان بين اين جامعه و آنچه در گذشته بوده است مرز مشخصي قائل شد يا سنجه‌هاي كيفي ديگر را بايد به مدد گرفت؟**

**حق مؤلف و جامعة اطّلاعاتي**

**همة صاحب‌نظران بر اين اعتقادند كه همگرايي ارتباطات دوربرد، فن‌آوري رايانه‌آي، پخش برنامه‌ها (شامل پخش ماهواره‌اي)، پخش كابلي و فنون فشرده‌سازي ديجيتال اين امكان را فراهم كرده است كه انتقال اطّلاعات با سرعت بسيار زياد از طريق شبكه‌هاي سيمي و بي‌سيم عملاً همه‌گير شود. به علاوه ميانجي‌هاي هوشمند و تسهيلات ابرمتن دوسويه در محصولات و خدمات اطلاع‌رساني، دسترسي كاربران را به اطلاعات حاضر و آماده آسان‌تر كرده است. بي‌ترديد، اينترنت پيشتاز زيرساخت‌هاي اعلام‌شده اطّلاع‌رساني جهاني است. كاهش چشم‌گير هزينه‌هاي رايانه‌اي، راه‌اندازي تلويزيون‌هاي شبكه‌اي[14] يا رايانه‌هاي شبكه‌اي و دسترس‌پذيري كامل فيبر نوري بقية كارها را انجام مي‌دهد تا در اولين سالهاي قرن بيست و يكم بتوان وارد جامعة اطّلاعاتي جهاني شد. مشخصه بارز جوامع اطّلاعاتي همه‌گير شدن توليد و مصرف اطّلاعات است. ام‍ّا توليد اطلاعات همانند توليد هر كالايي به حمايت و تأمين مالي و به ضمانت حفظ مالكيت نياز دارد.**

**در دنياي چاپ، بوتر، در مورد ضمانت مالكيت، مقررات مربوط به حق مؤلف حاكم بود اما اكنون اين پرسش مطرح است كه در محيط ديجيتالِ سريعاً در تحول آيا حق مؤلف هنوز جايي خواهد داشت؟ چگونه مي‌توان در عصر فرهنگ رايانه‌اي به بهترين وجه از آفرينندگان حمايت كرد؟ آيا روش‌هاي سنتي توليد و توزيع انواع گوناگون آثار فكري آينده‌اي دارند؟ آيا رويكرد جديد نسبت به مديريت حقوق اين امكان را مي‌دهد كه ميان آن همه منافع جديد و متعارض تعادل منصفانه‌اي ايجاد كرد؟ چگونه مي‌توان در اينترنت، در لوح‌هاي فشرده و در دستگاههايي كه هنوز ساخته نشده‌اند، حقوق پديدآورندگان را بازيابي كرد، حق امتياز آن را گرفت و اجازة بهره‌برداري داد و به اجرا گذاشت؟**

**برخي تحليل‌گران عقيده دارند كه اين ابزار فن‌آورانه جذاب جديد اگر با علايق مصرف‌كنندگان يا نيازهاي جوامع مختلف همخوان نباشد، نه مفيد خواهد بود و نه به نسبت هزينه‌ها سودآور. طرفداري از چندگرايي فرهنگي و مشاركت آزادانه همگان در اين حالت جديد گفت‌وگوي بين فرهنگي «دهكده جهاني» چالش بزرگي به نظر مي‌رسد. در بزرگراه‌ها، برابري فرهنگي يا اقتصادي بايد هم در «ورودي» (كثرت محتوا) و هم در «خروجي» (امكانات دسترسي) تضمين شود. بزرگراه‌هاي اطّلاعاتي فقط در صورتي كه در دسترس همگان باشند ـ صرفنظر از نژاد، مل‍‍ّيت، جنس، محل اقامت، شغل يا موقعي‍ّت اجتماعي ـ قادر خواهند بود كه در توسعة حقيقتاً مردم محور نقش سازنده‌اي داشته باشند.**

**تحولات فن‌آورانه، هر اندازه مثبت باشند، اين خطر را درپي خواهند داشت كه در اين محيط جديد فن‌آورانه حق مؤلف و حقوق جنبي آن را به صورتي جد‌ّي تضعيف كنند. هر چند كه اين وضع بر اثر دو پيمان جديد سازمان جهاني مالكيت فكري[15]، كه در دسامبر 1996 به تصويب رسيد، تا حدودي تعديل شده است. اما هنوز رضايت‌بخش نيست (فرهنگ و خلاقيت ...، 1379، ص 337). نبود پشتيباني مادي به اين امكانات جديد ميدان مي‌دهد كه به آساني بدون موافقت پديدآورنده و عملاً بدون صرف هزينه، شكل و محتواي اثري را تغيير دهند؛ به دلايلي مشابه راهزني الكترونيك مي‌تواند بيش از آنچه دارندگان حق مؤلف و حقوق جنبي آن در گذشته تجربه كرده‌اند جنبة منفي داشته باشد. در اين محيط جديد، هر مصرف‌كننده‌اي كه رايانه‌اش به شبكه متصل باشد در هر آن يا در دفعات مختلف، يك مؤلف بالقوه، يك ناشر بالقوه و يك متخلف بالقوه است.**

**برخي عاملان اصل اطّلاع‌رساني جهاني راهبردشان آن است كه تا جاي ممكن مشتركان خدمات جديدشان را به مشتركان پولي مبدل كنند، در حالي كه دسترسي رايگان به مطالب روزبه‌روز با ارزش‌تر در شبكه‌ها امكان‌پذير شده است. براي رسيدن به اين هدف، آنها ترديدي به خود راه نمي‌دهند كه در بهترين حالت، پيوسته بر نامربوط بودن حق مؤلف سنتي در فضاي رايانه‌اي تأكيد كنند و در بدترين حالت، پايان كار حق مؤلف را اعلام دارند.**

**در شرايط كنوني كه فن‌آوري، نيروهاي اقتصادي و جامعة مدني به نام تجدد عليه خل‍ّاقيت دست به يكي كرده‌اند و فعالانه در حذف حمايت قانوني از آن تلاش مي‌كنند به نظر مي‌رسد پديدآورندگان و آفرينندگان با معضلي جدي روبه‌رو شده‌اند. يا بايد از حق انحصاري خود بر آثاري كه در شبكه‌ها پخش مي‌شود دست بكشند كه در اين صورت مسئله تأمين هزينه فعاليت‌هاي خلاق به دوران پيش از چاپ عقب‌گرد مي‌كند؛ يا براي گريز از خطرهاي شبكه از آن پرهيز كنند؛ در اين صورت آفرينش ادبي، علمي و هنري به محدوده‌هاي حمايت سنتي و تعصب در برابر توسعة فرهنگي محدود خواهد شد. به همين ترتيب، صنايع فرهنگي «سنتي» بايد در جامعه‌اي كه به نحو روزافزوني به شبكه‌ها مي‌پيوندد با مسائل جدي اجتماعي و شغلي رودررو باشد و افول خود را نظاره كند. اما تحولات در عرصة فن‌آوري ديجيتال، به جاي آنكه خود انقلات باشد، درواقع نمايانگر تكاملي است كه در دهة 1960 آغاز گرديد. بنابراين، اصلاح و تغيير فوري هنجاري‌هاي سنتي حمايت از حق مؤلف و گسترش دامنة آن به محيط الكترونيك از وظايف مبرم‌ سازمان جهاني مالكي‍ّت فكري و يونسكو است. كه البته تاكنون گام‌هاي نسبتاً قابل قبولي نيز پيموده شده است (سلسله مقالات...، 1381). مؤلفان، اجراكنندگان، صنايع فرهنگي، انجمن‌هاي گردآورنده، كارورزان شبكه، مربيان، كتابداران، دانشمندان و مصرف‌كنندگان، دولت‌ها، قانون‌گذاران و سازمان بين‌المللي ذي‌صلاح هنوز راه‌ درازي در پيش دارند تا با روح تفاهم‌آميز، به چارچوبي رضايت‌بخش در زمينة حق مؤلف براي فضاي رايانه‌اي دست يابند. اين وظيفة عظيم و مبرم لزوماً بايد با تلاش بيشتر براي آموزش به مصرف‌كنندگان، به ويژه به نسل جوان، همراه باشد تا حق كساني كه استعدادهاي خلاق خود را در جهت منافع فرهنگي و علمي كل جامعه به كار مي‌بندند پايمال نشود.**

**مآخذ**

**بهشتي، ملوك‌السادات (1373). «جامعة اطّلاعاتي و توسعه». اطلاع‌رساني. دورة دوازدهم، 3 (بهار): 3ـ10.**

**سلسله مقالات ارائه شده در همايش ‌بررسي حقوق مالكيت ادبي و هنري (تهران، 5ـ7 اسفند 1381). دانشگاه تهران، كتابخانه مركزي، تالار علامه اميني.**

**فرهنگ، خلاقيت و بازار: گزارش جهاني فرهنگ (1379). تهران: كميسيون ملي يونسكو در ايران، مركز انتشارات.**

**كوئه، داني‌تي (1381). «اقتصاد بي‌وزن». پيام يونسكو. سي سي ام، 343 (مهر): 18ـ20.**

**محسني، منوچهر (1379). «جوامع اطلاعاتي در گفت‌وگو با دكتر منوچهر محسني «نماية پژوهش».س چهارم، 15 (پاييز): 4ـ19.**

**Forester, Tom (1992). The Electronic Cottage Revisited: Toward the flexible Workstyle. Urban Futures.**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**[1]. Martin**

**[2]. Mcnutt**

**[3]. Alvin Toffler**

**[4]. Moore**

**[5]. Stonier**

**[6]. Melody**

**[7]. Dell**

**[8]. Cisco**

**[9]. Rees**

**[10]. Porat**

**[11]. Garnesy**

**[12]. Webster**

**[13]. Learning the Treasue Within**

**[14]. Net-TVS**

**[15]. WIPO**